

## نقش دستور موقت دیوان بین المللی دادگستری در تضمین حقوق بشر با تأکید بر پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>، حامد شیرینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانش آموخته حوزه و فارغ التحصیل سطح دو (کارشناسی) حقوق از مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی

### چکیده

یکی از مهم‌ترین صلاحیت‌های دیوان بین المللی دادگستری، دستور موقت است. صدور آن در مواردی است که خواهان اثبات کند که طرف دیگر به حقوق بشر لطمه وارد کرده و اقدامات اجرایی وی موجب نقض گسترده آن را فراهم می‌آورد. از همین رو، برای پیشگیری از نقض گسترده حقوق بشر یا گسترش آن، دیوان اقدام به صدور دستور موقت می‌کند. یکی از پرونده‌هایی که اخیراً در دیوان منجر به صدور دستور موقت شده است، پرونده شکایت جمهوری اسلامی ایران از ایالات متحده آمریکا در خصوص خروج یک طرفه از توافق برنامه جامع اقدام مشترک و احیای مجدد تحریم‌ها علیه مردم ایران بوده که بنابر درخواست نماینده ایران منجر به نقض گسترده حقوق بشر در کشور ایران شده است. پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که دستور موقت دیوان بین المللی دادگستری چطور و تا چه اندازه می‌تواند در ممانعت از نقض حقوق بشر در ایران موثر باشد؟ از این رو مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی و توصیفی، به تبیین جایگاه دستور موقت دیوان در تضمین و ارتقا حقوق بشر با مطالعه موردی پرونده بازگشت تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران پرداخته است. به عنوان نتیجه پژوهش، مبنای صدور دستور موقت، دو امر می‌باشد که باید توسط خواهان اثبات شود، یک نقض گسترده حقوق بشر توسط طرف دعوا؛ و دو غیرقابل جبران بودن خسارات احتمالی. برای صدور دستور موقت، نیازی به استناد به عهد نامه موذت نمی‌باشد. البته برای صدور دستور موقت، نیازی به استناد به عهد نامه موذت نمی‌باشد، بلکه برای صدور دستور موقت، صرف خساراتی که برای مردم ایران از ناحیه تحریم‌های یکجانبه آمریکا به وجود می‌آید، کفایت می‌کند و نیازی به عهد نامه موذت نمی‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** دیوان بین المللی دادگستری، دستور موقت، حقوق بشر، تحریم‌های یک جانبه

## مقدمه

دیوان دادگستری بین‌المللی، نهاد حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها است که در راستای مهم‌ترین وظیفه خود یعنی حل و فصل دعاوی میان دولت‌ها، در برخی موارد و بنا بر شرایط خاصی اقدام به صدور دستور موقت می‌کند. هدف از صدور دستور موقت انجام اقداماتی است که باید برای حفظ حقوق طرفین به عمل آید، که دیوان را جهت حفظ حقوق طرفین اختلاف، قادر به انجام اقدامات تأمینی نموده است. علاوه بر ماده ۲۹۰، به موجب ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اختیار دارد در صورتی که تشخیص دهد و اوضاع و احوال ایجاب نماید چه اقداماتی را برای حفظ حقوق طرفین به عمل آید. این اقدامات باید فوراً اجرا شده و به شورای امنیت که نهاد اجرای دیوان محسوب می‌شود، ارجاع گردد. اقدامات دیوان در این مورد در مواد ۷۳ تا ۷۸ آیین دادرسی جدید معین شده است.<sup>۱</sup>

دیوان با اهتمام به حمایت از حقوق بشر، توانسته است به نوبه خود، در بسط و مراعات آن و دستکم در تدوین حقوق بین‌الملل عرفی بشر، نقش مهمی ایفا کند. مبنای صدور دستور موقت، وجود شرایط اضطراری و زمانی است که اقدامات خواننده، منجر به نقض گسترده حقوق بشر شود که در عین حال، غیر قابل جبران می‌باشد. به دیگر سخن، برای صدور دستور موقت وجود دو عنصر لازم و ضروری می‌باشد. عنصر اول نقض گسترده حقوق بشر و عنصر دوم غیر قابل جبران بودن اقدامات می‌باشد که برای صدور دستور موقت توسط دیوان وجود هر دوی این دو شرط لازم می‌باشد.

دیوان در طول بررسی و اقدامات خود به کرات دستور موقت صادر کرده است. یکی از پرونده‌هایی که در رسیدگی‌های دیوان منجر به صدور دستور موقت شده است، دعوای جمهوری اسلامی ایران علیه دولت ایالات متحده آمریکا می‌باشد که موضوع آن تحریم یک جانبه دولت ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. خواهان (جمهوری اسلامی ایران) در تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۵ ش. در واکنش به اقدامات دولت آمریکا در اعمال مجدد تحریم‌های یک جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران متعاقب تصمیم ۸ می ۲۰۱۸ دولت آمریکا، در دیوان بین‌المللی دادگستری، شکایتی را ثبت نمود، (رک: سایت معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، <https://economic.mfa.ir>). دولت جمهوری اسلامی ایران همزمان با ثبت این شکایت، از دیوان دادگستری بین‌المللی درخواست کرد با توجه به آثار مخرب، زیانبار و جبران‌ناپذیر تصمیم ۸ می ۲۰۱۸ دولت آمریکا در اعمال و تشدید تحریم‌های یک جانبه که نقض صریح مفاد و ترتیبات عهدنامه ۱۹۵۵ به شمار می‌آیند، دستور موقتی را در این رابطه صادر کند. در نهایت دیوان با احراز صلاحیت اجمالی (*prima facie*) در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ ش. اقدام به صدور دستور موقت نمود، (همان). دستور موقت دیوان ایالات متحده را ملزم می‌کند طبق تعهدات بین‌المللی خود وفق عهدنامه ۱۳۳۴ ش. مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی، موانع ناشی از اقداماتش به موجب تصمیم ۸ می ۲۰۱۸ م. (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ ش.) در ارتباط با صادرات اقلام زیر به جمهوری اسلامی ایران را برطرف نماید:

۱. دارو و تجهیزات پزشکی؛
۲. اقلام غذایی و کشاورزی؛
۳. قطعات و تجهیزات هواپیما و خدمات تأمین و نگهداری لازم برای ایمنی هواپیمایی؛

۱. آیین دادرسی دیوان اولین بار در سال ۱۹۴۶ م. به تصویب دیوان رسید و در سال ۲۰۲۰ مورد اصلاح قرار گرفته است.

۴. ایالات متحده آمریکا تضمین نماید تا مجوزهای لازم برای پرداختها و معاملات مربوط به موارد فوق الذکر را صادر کند.

### ۱. جایگاه دستور موقت در نظام دادرسی بین المللی

در تمام نظام های حقوق داخلی، نهادی به نام دستور موقت وجود دارد. مفهوم آن این است که دادگاه در مواردی که احراز کند حقوق یکی از طرفین ممکن است در پروسه رسیدگی ضایع شده و غیر قابل جبران باشد، علی رغم این که هنوز رسیدگی ماهوی صورت نگرفته است و مُحق بودن یا نبودن طرفین مشخص نشده است، دادگاه اقدام به صدور دستور موقت می کند، تا از تضییع حقوق احتمالی طرفین پرونده جلوگیری کند.

دستور موقت در مواردی صادر می شود که دیوان ضرورت و به تبع آن فوریت را از درخواست هرکدام از طرفین برداشت کند. ماهیت این اقدام، راهکاری است که برای رسیدن به تأمین موقت اتخاذ شده است. به دیگر سخن، هنگامی که دیوان در پرونده ای با وضعیت های خاصی مواجه می شود، برای تأمین موقت حقوق خواهان، اقدام به صدور دستور موقت می کند تا در ضمن رسیدگی، هیچ امکان تأمین حقی از طرفین دعوا از بین نرود. از این رو، دستور موقت ماهیتاً اقتضای فوریت در رسیدگی دارد که به منظور جلوگیری از ایراد خسارات غیر قابل جبران به هر کدام از طرفین دعوا اقدام قضایی صورت پذیرد و اگر به فوریت اقدام نشود، ممکن است خسارات مورد ادعا، غیر قابل جبران باشد و ضربه ای که بر هر کدام از طرفین وارد می شود، به مراتب سخت تر اقداماتی باشد که دیوان می توانسته انجام بدهد. به عنوان مثال، در مورد پرونده ایران و تحریم مجدد توسط دولت ایالات متحده آمریکا، در صورت صدور دستور موقت از منع مجدد تحریم ها، اقدام دیوان باعث نجات جان میلیون ها بیمار در این کشور شود، در حالی که حتی اگر دیوان در نهایت حکم بر ضرر ایران و به نفع آمریکا صادر کرده باشد، باز هم ضرری که متوجه دولت آمریکا می شود، صرفاً مالی خواهد بود که از جان میلیون ها ایرانی با ارزش تر نخواهد بود! (Martinus, 1995, p6) دیوان بین المللی دادگستری یکی از مهم ترین نهاد هایی است که نقش مهمی در حل و فصل دعوی بین المللی را ایفا می کند.

پیشینه تدوین اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به سال ۱۹۴۵م. باز می گردد؛ زمانی که در کنفرانس یالتا یک کمیته مشورتی از نمایندگان ۴۴ کشور تشکیل شده بود، اقدام به تدوین پیش نویس این اساسنامه کرد، (Zimmern, 2000, p4). این پیش نویس در همان سال به تصویب رسید.

اولین مقرراتی که به دستور موقت نزدیک است، ماده ۱۸ کنوانسیون تأسیس دیوان دادگستری آمریکای مرکزی در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۷م. می باشد. پس از آن در سری معاهدات برای پیشبرد صلح در سال ۱۹۱۴م. به موضوع دستور موقت اشاره شد. این مقررات به عنوان مبنایی برای آنچه در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان دائمی بین المللی دادگستری آمده است، به کاررفته است، (Zimmern, 2000, p 5).

بر اساس ماده ۳۱ از اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، دیوان این اختیار را دارد که خود اقدام به وضع آیین دادرسی نماید. اولین آیین دادرسی دیوان در سال ۱۹۹۲م، در ماده ۵۷ به موضوع دستور موقت اشاره شد و مطابق این ماده، رئیس دیوان می توانست برای حفظ حقوق هر یک از اصحاب دعوا، هر گونه قراری صادر کند، اما کامل ترین مقرراتی که در خصوص دستور موقت در دیوان دادگستری به تصویب رسید، مصوب سال ۱۹۹۶م. می باشد. در این قانون ماده ۶۱ به موضوع دستور موقت اختصاص داده شد. این ماده شامل ۹ پاراگراف می شود که به تمامی مسائل پیرامون قرار تأمین موقت می پرداخت. از جمله موضوع فوریت دستور موقت، صدور دستور موقت به ابتکار دیوان توسط دیوان و قدرت دیوان برای رد یا اصلاح قرار های صادر شده، آیین نامه های مربوط به جلسه دادرسی

شفاهی و مشارکت قاضی اختصاصی از جمله مواردی بود که در این ماده اضافه شد، zimmermann, 2006, (p3).

تغییر عمده دیگری که در خصوص دستور موقت در آیین نامه های دیوان اعمال شد، مربوط به سال ۲۰۱۱م. و در راستای تصویب دستور العمل هایی می باشد که به منظور تسهیل انجام مراحل اقامه دعوا در دیوان وضع شده اند. مقررات آیین دادرسی دیوان و دستور العمل ها بیان کننده رویکرد رو به گسترش دیوان در باره قاعده سازی رویه ای است. دیوان هم آیین دادرسی خود را و هم دستور العمل ها را تصویب می کند که هر دو مجموعه مقررات اساساً موضوعات یکسانی را پوشش می دهند، (ICJ publication, 2004, p12). پس از دستور العمل سابق دیوان در راستای تکامل قوانین، دستور العمل شماره ۱۱ را در رابطه با دستور موقت به تصویب رساند. این دستور العمل اشعار می دارد: «دیوان ملاحظه می کند که طرفین دعوی گرایش روزافزونی به درخواست صدور دستور موقت از خود نشان می دهند. طی رسیدگی های شفاهی به درخواست های صدور دستور موقت، طرفین باید خود را به معیارهای مرتبط صدور دستور موقت محدود که در اساسنامه، آیین دادرسی و رویه دیوان بدان اشاره شده است. طرفین دعوی نباید فراتر از آنچه کاملاً برای این هدف ضروری است وارد ماهیت دعوی شوند»، (ICJ publication, 2004, p13). مقررات مربوط به دستور موقت قسمتی از آیین رسیدگی مقررات دادرسی دیوان می باشد. رسیدگی به دستور موقت<sup>۲</sup> از قواعد خاصی از جمله ماده ۴۱ اساسنامه و مواد ۷۳ تا ۷۸ آیین دادرسی پیروی می کند و توسط رأی نهایی دیوان منقضی می شود.

## ۲. شرط احراز صلاحیت دیوان جهت صدور دستور موقت

از جمله موضوعات مهم در بحث دستور موقت، موضوع احراز صلاحیت می باشد. دیوان زمانی می تواند اقدام به صدور دستور موقت کند که صلاحیت داشته باشد و در غیر این صورت، هر گونه اقدام دیوان، غیر قابل استناد است و الزامی برای هیچ کس ایجاد نمی کند و با فلسفه اصلی دستور موقت در پیشگیری از وقوع خسارات جبران ناپذیر، منافات دارد. دستور موقت، یک دعوای طاری است و زمانی دیوان می تواند در خصوص آن اعلام نظر کند که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را داشته باشد. از سوی دیگر، مطابق اصل عدالت در رسیدگی، همواره باید برای طرفین حق اعتراض به تصمیمات وجود داشته باشد که این اعتراض می تواند زمان بر باشد که در نتیجه با اصل فوریت در رسیدگی به موضوع دستور موقت منافات دارد. در این موارد، و برای حل تعارض، قضات دیوان اقدام به صدور دستور موقت بدون در نظر گرفتن تصمیم در ارجحیت می کنند، زیرا از دیدگاه قضات دیوان، حفظ حقوق غیر قابل جبران، به موضوع صلاحیت دارد، (bekker, ۱۹۹۸, p45).

صورت کلی می توان بیان داشت که در رویه صرفاً دیوان زمانی می تواند مبادرت به صدور دستور موقت کند که صلاحیت ابتدایی وجود داشته باشد. در این مسیر، صلاحیت هم شامل صلاحیت شخصی و هم صلاحیت ذاتی رسیدگی نسبت به ماهیت دعوی می باشد. (میرعباسی و سادات میدانی، ۱۳۸۴، ص ۲)

۲. فصل سوم – آیین دادرسی..... دیوان بین المللی دادگستری اختیار دارد در صورتی که تشخیص دهد که اوضاع و احوال ایجاب می کند اقداماتی را که باید برای حفظ حقوق طرفین موقتاً به عمل آید انجام دهد. پرتال مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد-تهران، <http://www.unic-ir.org/>

### ۳. بایستگی دستور موقت در جهت تضمین حقوق طرف دعوا و استقرار عدالت بین المللی

هدف اصلی دستور موقت که به صراحت ماده ۴۱ بیان شده است، حقوق مربوطه هر دو طرف است. برای همین دیوان مکلف است اقداماتی در نظر بگیرد برای اطمینان از این که طرف‌ها در وضعیت ضرر و یا احتمال آسیب غیرقابل جبران قرار نگیرند. به منظور تضمین رفتار برابر با هر دو طرف، دیوان اغلب دستور موقت را برای هر دو طرف صادر می‌کند، اگرچه اغلب در یک حالت کلی خودداری از هرگونه تشدید وضعیت را درخواست می‌کند. (Fitzmaurice, 1986, p 120)

با توجه به اصل توافقی بودن دعاوی، در مورد صدور دستور موقت، یک طرف خواهان صدور دستور موقت است و طرف دیگر تقاضای رد درخواست را دارد، اما قضات دیوان در این میان باید تصمیم بگیرند که صرف نظر از حقوق ادعایی در اصل پرونده مطروحه، مطابق ادعای خواهان صدور دستور موقت، آیا حقوقی وجود دارد که در صورت مرور زمان ناشی از رسیدگی به پرونده مدّ نظر در دیوان، از بین رفته و جبران آن غیر ممکن باشد؟ در فرضی که جبران غیر ممکن باشد، قضات دیوان باید اقدام به صدور دستور موقت کنند، هر چند که در انتهای رسیدگی و پیش از اعلام ختم دادرسی، حکم به نفع یکی از طرفین صادر شود که خواهان رد درخواست دستور موقت بوده است، زیرا موضوع رسیدگی در صدور دستور موقت، امری غیر از رسیدگی ماهوی در پرونده مطرح شده در دیوان است. ملاک صدور حکم، صرفاً حفظ حقوق طرفین و پیشگیری از خسارات جبران ناپذیر می باشد و در این میان، ادله وارده باید مثبت همین ادعا باشند و در خصوص ماهیت از سوی دیوان یا طرفین دلیلی ابراز نمی شود. این در حالی است که برای رسیدگی ماهوی، باید قضات دیوان و طرفین ادله خود مبنی بر ذی حق بودن را ارائه کنند.

مهم ترین اصل در صدور دستور موقت از دیدگاه دیوان، فوریت و ضرورت است. این شرط از این رو در دستور موقت ضرورت دارد که فلسفه صدور دستور موقت در دیوان بنا بر تصریح ماده ۴۱ حفظ حقوق هر یک از طرفین تا زمان تصمیم نهایی می باشد. از همین رو، در صورتی که حقوق خواهان جبران ناپذیر باشد، دیوان باید به سرعت اقدام به صدور دستور موقت کرده و اقداماتی را در این زمینه انجام دهد. فوریت با قریب الوقوع بودن آسیب غیرقابل جبران رابطه نزدیکی دارد؛ زیرا اگر هیچ آسیب غیرقابل جبران و قریب الوقوعی نباشد، فوریتی نیز وجود نخواهد داشت.

یکی از پرونده هایی در دیوان منجر به صدور دستور موقت شده است، در مورد پرونده «بریرد و لاگرانژ» بود که با صدور حکم اعدام علیه اتباع مکزیکی توسط دادگاه های ایالات متحده بدون رعایت تعهدات ناشی از ماده ۳۶ پاراگراف (ب۱) از کنوانسیون وین در باره روابط کنسولی مرتبط بود وجود داشت، درخواست صدور دستور موقت مکزیکی با هدف تعلیق اعدام اتباعش تا زمان تصمیم گیری در باره ماهیت بود. دیوان در رأی خود تأکید کرد که فوریت فقط به سه نفر از اتباع مکزیکی داده شده که در معرض خطر اعدام در ماه ها یا هفته های آینده بودند؛ در حالی که مسأله اعدام برای دیگران نبود. دیوان دستور موقتی صادر کرد که ایالات متحده «باید همه اقدامات ضروری را اتخاذ کند و مطمئن شود که ... تا زمان رأی نهایی در این رسیدگی های این اشخاص اعدام نمی شوند». (Avena case, 2003).

البته باید توجه داشت که زمان تنها عنصر مرتبط با فوریت نیست، بلکه به شرایطی نظیر رفتار طرف درخواست کننده نیز بستگی دارد. در توجه به جنبه فوریت، این که وضعیت خواهان قبل از ثبت درخواست برای مدت طولانی وجود داشته است، تأثیری ندارد، بلکه تنها چیزی که مهم است قریب الوقوع بودن اقدام آسیب رسان به حقوق در معرض خطر است. در بررسی فوریت این که طرف های اختلاف به دنبال حل اختلاف از طریق روش های دیگری هم هستند، روش دیپلماتیک یا در چارچوب سازمان ملل متحد نیز می تواند نقش داشته باشد،

(Hudson , 1920, p78)

فوریت ادعا شده توسط درخواست‌کننده دستور موقت پیامدهایی بر رویه دیوان دارد، زیرا به منظور حفظ مؤثر حقوق در معرض خطر، باید اولویت بیشتری به چنین درخواست‌هایی بدهد، که این حقوق همان گونه که در ادامه بیان خواهد شد، حقوق مسلم و غیرقابل انکار بشر هستند. حقوقی مانند حق حیات، آزادی و غیره در حقیقت این حقوق مسلم مبنای صدور دستور موقت قرار می‌گیرند، (Hudson, 1920, p80)

#### ۴. ضمانت اجرای دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری

مهم‌ترین ویژگی دستورات قضایی، لازم‌الاجرا بودن آنهاست. تشفی خاطر، جبران خسارت و غیره زمانی اتفاق می‌افتد که حکم محاکم قضایی به مرحله اجرا رسیده باشد. در غیر این صورت، تمامی مراحل سابق بر آن، اعم از تحقیق، دادرسی، تجدید نظر خواهی و غیره بیهوده خواهند بود.

موضوع دستور موقت هم از این قاعده مستثنی نیست. یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در حقوق بین‌الملل، ضمانت اجرای قواعد است. طرفین دعوا در حقوق بین‌الملل، اتباع داخلی یک دولت نیستند که برای اجرای حکم بتوان از قوای قاهره کمک گرفت، بلکه دولت‌هایی هستند که خود منشأ وجود و مشروعیت نهاد های بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری شده‌اند. در فرضی که دیوان در موضوع یک پرونده اقدام به صدور دستور موقت کند، این پرسش مطرح است که آیا امکان دارد طرف دیگر دست به اقدامات تلافی‌جویانه بزند و تمامی دستورات دیوان را نقض کند؟ یا دستورات دیوان را انجام ندهد؟ زیرا دستور موقت دیوان به این مفهوم است که طرف دعوا باید از هر اقدامی که می‌تواند منجر به آسیب به اجرای حکمی که در آینده صادر می‌شود، خودداری کنند. مفاد دستور موقت به طور کلی به طرف دعوا اجازه نمی‌دهد هر عملی که ممکن است اختلاف را، تشدید کند و یا گسترش دهد انجام دهد، (میرعباسی، سادات میدانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹).

این سؤال مثلاً زمانی مطرح می‌شود که در قضیه «لاگرانده»، دیوان صرفاً محدود است به این که از عدم رعایت دستور موقت انتقاد کند، مگر این که طرف به صراحت درخواستی را برای پرداخت غرامت ارائه دهد، زیرا در غیراین صورت، دیوان اصل عدم صدور رأی فراتر از خواسته را نقض خواهد کرد، (Bekker, 2003, P3).

این اختلاف نظر همواره در حقوق بین‌الملل وجود داشته است و زمانی تشدید می‌شود که طرف مقابل، اقدام به نقض دستور موقت و وارد ساختن همان خساراتی کند که غیرقابل جبران باشد. در این فرض، برای ضمانت اجرای دستور موقت، راهکاری وجود ندارد، چرا که دستور موقت الزام‌آور است، اما در فرم یک حکم صادر نمی‌شود، روشن می‌کند که دولت مربوطه باید متعهد به رعایت آنها شود، (ماده ۹۴ پاراگراف ۱ منشور). اما استفاده از لزوم اجرا به عنوان مبنایی برای شورای امنیت در کوتاهی در اجرای تعهدات ناشی از تصمیم، طبق ماده ۹۴ پاراگراف ۲ منشور سازمان ملل متحد، امکان‌پذیر نیست. به دیگر سخن، بیان شد، دیوان به عنوان نهاد اجرایی سازمان ملل وارد شده است و وظیفه اجرای دستورات آن را بر عهده دارد، اما برخلاف آنچه که لازم است، دستورات دیوان در برخی از موارد از ضمانت اجرای لازم برخوردار نیستند. برای مثال، در پرونده‌هایی که دیوان بین‌المللی دادگستری، لزوم صدور دستور موقت را تشخیص می‌دهد، در فرضی که خسارتی از عدم اقدام خوانده متوجه خواهان شود، الزامی برای جبران خسارت توسط خوانده در دستور موقت پیش‌بینی نشده است که به نظر نگارنده می‌تواند به عنوان یکی از ایرادات بر دستور موقت محسوب شود.

#### ۵. حقوق بشر در ترازوی دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری

پرسش آن است که دیوان دادگستری، دستور موقت را در چه مواردی و در صورت احراز چه شرایطی در پرونده‌ها صادر می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت، حقوق بشر که مهم‌ترین دغدغه نهاد های بین‌المللی می‌باشد، به

مثابه ضرورت صدور دستور موقت می باشد؛ یعنی برای صدور دستور موقت در دیوان بین المللی دادگستری باید نقض عمده حقوق بشر بر قضاات دیوان اِحراز شود. حقوق بشر قدمتی به تمدن بشریت دارد و زمامداران بشری از ابتدای حکومت های اولیه، موضوع برابری میان انسان ها که از اولین آموزه های حقوق بشر است را مطرح کرده بودند. اما حقوق بشر به معنای امروزی، به معنای مطالعه جامع و تدوین آن در یک مرجع بین المللی و با حضور تمامی افراد و گروه ها، به تصویب منشور سازمان ملل متحد برمی گردد، (مهر پور، ۱۳۸۳ش، ص ۱۲). یکی از مهم ترین فلسفه های وضع این دسته از مقررات آن است که مقررات حقوق بشر کم کم در میان قوانین داخلی کشور ها رسوخ کرده و در میان قوانین ملی آنها جای گرفته و در نتیجه به همبستگی بیشتر دولت ها و جلوگیری از اقدام خودسرانه آنها منجر شود، (همان، ص ۱۴). پس از وقوع جنگ جهانی دوم و آثار خانمان سوز آن، ضرورت تدوین مقرراتی برای حمایت از نوع بشر منجر به تصویب منشور ملل متحد شد. به رغم پیش بینی رعایت و احترام به حقوق بشر جهانی در منشور ملل متحد، ضرورت وجود و تصویب سندی جداگانه سبب شد کمیسیون حقوق بشر بر اساس ماده ۶۳ منشور ملل متحد، ابتدا طرح نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر را در دسامبر ۱۹۴۸م. و طرح دوم را در ۱۹۶۶م. و در قالب میثاقین حقوق بشر (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل مربوط به آن و میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به تصویب رساند. اعلامیه جهانی حقوق بشر هم اکنون بهترین وسیله تفسیر مقررات منشور ملل متحد در زمینه حقوق بشر به شمار آمده است، (Shelton , ۲۰۰۸, p ۷).

حقوق بشر به عنوان یکی از مهم ترین منابع برای اتخاذ تصمیمات در مجامع بین المللی محسوب می شود. توجه به پیشینه آن خصوصاً تشکیل سازمان ملل پس از وقوع جنگ جهانی دوم، با هدف جلوگیری از وقوع مجدد چنین فجایعی، توجه به مسائل پیرامون حقوق بشری را بیشتر کرده است.

در خصوص موضوع دستور موقت در دیوان بین المللی دادگستری هم، توجه به مسائل حقوق بشری از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد. به دیگر سخن، مهم ترین ملاک در اتخاذ تصمیم در خصوص دستور موقت، موضوع حقوق بشر است. کشوری که دادخواست صدور دستور موقت را از دیوان دادگستری کرده است، زمانی می تواند به خواسته خود برسد که درخواست وی منطبق با یکی از موضوعات حقوق بشری باشد و طرف مقابل را ناقض یکی از موضوعات حقوق بشری معرفی کرده باشد و دادخواست صدور دستور موقت را در حقیقت، برای جلوگیری از یکی از موضوعات حقوق بشری که هدف اصلی مجامع بین المللی از جمله دیوان دادگستری می باشد معرفی کرده باشد.

#### الف. حق حیات و مصونیت از بازداشت فراقانونی در آئینه دستور موقت های دیوان

اولین حق از حقوق غیرقابل انکار برای بشر، حق حیات و مصونیت از بازداشت فراقانونی می باشد که می تواند مهم ترین مبنا برای صدور قرار موقت در دیوان دادگستری باشد.

از دیدگاه اندیشمندان عرصه حقوق بین الملل حقوق بشر حوزه گسترده ای دارد و شامل سه نسل می شود که هر کدام از آنها در یک دوره وارد مفاهیم حقوق بشری شده اند.

نسل اول شامل حقوق مدنی و سیاسی می شود که شامل آموزه های مدنی و سیاسی در اندیشه حقوق بشری می باشد، مانند حق حیات و حق حاکمیت سیاسی. آموزه های این نسل شامل آموزه هایی، مانند: نفی نسل کشی، نفی استعمار و غیره خواهد بود. نسل دوم در اندیشه حقوق بشری شامل آموزه های حقوق اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است. این آموزه ها در سال های بعد و با تکامل آموزه های حقوق بشری وارد عرصه حقوق بشر شده اند که در نهایت



با اضافه شدن نسل سوم آموزه های حقوق بشری یعنی نسل سوم که شامل حقوق همبستگی می باشند، حقوق بشری به مفهوم امروزی خود به وجود آمده اند.

به دیگر سخن، اندیشمندان حقوق بین المللی، حقوق بشر را به سه نسل تقسیم می کنند و مصادیق آن را به سه دسته عمده تقسیم بندی می کنند: نسل اول حقوق بشر با تکیه بر اصالت فرد انسانی منادی حقوق مدنی و سیاسی می باشد. این دسته از حقوق از فلسفه حقوق طبیعی لاک، روسو و دیگران برآمده است و به طور سنتی مورد حمایت دولت های غربی با رویکرد مکتب لیبرالیسم بوده است، (harris, 2004, p24).

نسل اول حقوق بشر ضامن امنیت و آزادی انسان در مقابل قدرت عمومی و دیگر افراد است. آزادی رفت و آمد، حق حیات، رهایی از شکنجه و دادرسی عادلانه از جمله این آزادی هاست که می تواند مصادیقی برای استفاده قضات دیوان برای صدور دستور موقت محسوب شود. این نسل از حقوق بشر همچنین امکان مشارکت افراد در اداره امور سیاسی را فراهم می نماید و با برخورداری آنها، رشد فردی و اجتماعی فرد در جامعه ممکن می گردد. به این ترتیب، آزادی اندیشه، بیان، آزادی اجتماعات و تشکل ها و همچنین حقوق و آزادی های سیاسی و انتخاب حاکمان از طریق انتخابات آزاد از جمله حقوق نسل اول است، (هاشمی، ۱۳۹۷ ش، ص ۶۱۱). حق های نسل اول از یک سو جزء حق های منفی می باشند که با عدم مداخله دولت ها محقق خواهند شد و از سوی دیگر، حق های مثبتی هستند که مداخله دولت ها صرفاً در جهت تضمین و حمایت آن ها مجاز است، (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰ ش، ۵۱).

تعهد دولت ها در قلمرو حقوق مدنی و سیاسی بیشتر تعهد به حمایت و رعایت این حقوق است، تا تعهد به اعتلای آن که مختص نسل دوم حقوق بشر است. تعهد دولت ها به «توسعه» در تدارک این اعلامیه چارچوبی برای همکاری حقوق بشر در منطقه معرفی شده است. بهره مندی از حقوق و آزادی ها صرف نظر از تمایز نژادی، مذهبی، سیاسی، نسبی، جنسی و سیاسی و دیگر معیارها اعم از اجتماعی، اقتصادی به رسمیت شناخته شده است.

(ASEAN Human Rights, Declaration, 2012, p.19).

از دیدگاه اندیشمندان این عرصه از حقوق بین الملل، محتوای حقوق آزادی، حیات وغیره که بیان شد از نوع تعهد به نتیجه است. به این معنا که قطعی و منجز بوده و منوط به وسیله یا امکانات خاصی نشده است و دولت ها موظفند طبق هر شرایطی این شرایط و حقوق را برای ملت های خود فراهم سازند در بند یک ماده ۳ میثاق بین المللی حقوق دولت مدنی و سیاسی بیان شده است طرف های این میثاق متعهد می شوند که حقوق به رسمیت شناخته شده در این میثاق را در قبال افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان البته در این مورد نیز باید قوانینی وضع شود یا تصمیماتی اتخاذ رعایت و تضمین کنندگردد تا نهایتاً این حقوق به طور موثر تضمین و رعایت گردد. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰ ش، ص ۸۴).

یکی از پرونده هایی که در آن به مهم ترین حق هر انسان، یعنی حق آزادی به عنوان مستند برای صدور دستور موقت در دیوان بین المللی استناد شده است، «پرونده شکایت مکزیک علیه امریکا» است که دولت ایالات متحده تعداد ۸۴ نفر از اتباع مکزیکی را در شش ایالت دستگیر و به اتهامات مختلف به مرگ محکوم کرده بود. با توجه به قریب الوقوع بودن اعدام برخی از آنان مکزیک تقاضای صدور دستور موقت می نماید و دیوان هم به اتفاق آرا دستور موقت خود را در ۱ فوریه ۲۰۰۴م. صادر و از امریکا می خواهد تدابیر لازم را جهت جلوگیری از اعدام اتباع مکزیکی اتخاذ کند. دیوان در رأی ۱۱ مارس ۲۰۰۴م. خود، پس از رد اعتراض های مقدماتی و ایراد عدم قابلیت



پذیرش دعوی مطروحه از سوی آمریکا و همچنین کافی ندانستن اسناد و دلایل آن کشور مبنی بر آمریکایی بودن برخی از محکومان، اعلام می دارد، (سلیمانی، ۱۳۹۴، ص ۷).

#### ب. حق بر حمایت کنسولی در روبه قضایی دستور موقت های دیوان

مصادیق دیگری از مصادیق حقوق بشر، حق حمایت کنسولی می باشد که در روبه قضایی دیوان به عنوان یکی از مصادیق صدور دستور موقت محسوب می شود. دیوان بین المللی دادگستری به عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد نه تنها وظیفه حل و فصل اختلافات میان دولت ها را دارد، بلکه وظیفه حفاظت از ارزش های مورد قبول اعضای جامعه بین المللی را نیز بر عهده دارد. این نهاد بین المللی باید از ارزش ها و آرمانی هایی که مورد قبول اعضای جامعه جهانی است، نهایت حمایت را به عمل آورد؛ چرا که مهم ترن اصل در ایجاد یک جامعه جهانی آرمانی از دیدگاه نگارنده، احترام متقابل است و لازمه احترام متقابل، احترام به ارزش های کشورهاست. از آن جا که وظیفه دیوان رسیدگی به اختلافات بر اساس قواعد موجود است، نه بر اساس قواعد مطلوب، تغییر و تحولات صورت گرفته در عرصه حقوق بشر تأثیر خود را بر عملکرد دیوان داشته است. باید اذعان داشت که توجه دیوان به این دسته از قواعد، صرفاً جنبه نظری نداشته و در آرای دیوان به کرات مورد ملاحظه قرار گرفته شده است. به عنوان مثال، می توان به پرونده کنگو در دیوان اشاره کرد، (Ahmadao sadio Diallo Case, 2010, p 5).

در این رأی، دیوان با تأکید مجدد بر قواعد حقوق بشر، به عنوان جزئی از مجموعه قواعد حقوق بین الملل، ضمن کمک به انسجام و وحدت حقوق بین الملل، زمینه ارتقای احترام و رعایت حقوق بشر را نیز فراهم می سازد. این پرونده، در مورد فردی به نام «دیالو» می باشد. دیالو تبعه کشور گینه در سال ۱۹۶۴ م. اقدام به سکونت در کشور کنگو نمود و به تأسیس دو شرکت صادراتی و وارداتی مبادرت کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ م. وی اقدام به وصول طلب خود از شرکای تجاری نمود، اما در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۸ م. توسط مقامات کنگو مدتی حبس شد و سرانجام در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۵ م. نخست وزیر کنگو طی فرمانی با این استدلال که حضور و رفتار وی در کنگو، برهم زننده نظم عمومی این کشور خصوصاً در زمینه های اقتصادی، مالی و پولی است، قدام به اخراج وی از کنگو نمود، (Ahmadao sadio Diallo Case, 2010, p5). گینه در این قضیه بر این باور بود که دیالو در دو مرحله در کشور کنگو بازداشت شده و در این مدت رفتار نامناسب با شأن علیه وی صورت گرفته و اخراج و اقدامات، خلاف مقررات بین المللی است و این عمل مصادیق دقیق نقض حقوق بشر می باشد. گینه مدعی بود که اقدامات کنگو یعنی اخراج دیالو نقض ماده ۱۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۲ بند ۴ منشور آفریقا که هر دو کشور عضو این اسناد هستند، بوده است. همچنین حبس و بازداشت دیالو نقض بندهای ۱ و ۲ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ منشور آفریقا است. علاوه بر این، رفتار صورت گرفته علیه ایشان در طول مدت حبس و بازداشت، رفتاری تحقیرآمیز و غیرانسانی بوده است. با توجه به این که وی به عنوان تاجری برجسته و سرشناس از کشور گینه محسوب می شده و اقدامات کنگو در حقیقت توهین به کشور گینه محسوب می شده است،

(Ahmadao sadio Diallo Case, 2010, p 5).

در خصوص این پرونده، دیوان دستور موقتی مبنی بر آزادی دیالو با استدلال سابق صادر کرد و در نهایت منجر به آزادی دیالو شد. آزادی دیالو در حالی بود که رفتار های شرکت تجاری وی در کنگو هنوز در دست بررسی بود و در خصوص این که آیا رفتار های شرکت تجاری وی منجر به برهم خوردن نظم عمومی کنگو شده است، یا خیر، هنوز حکمی از سوی دیوان بین المللی صادر نشده بود.

به هر روی، در پرونده دیالو، رفتاری که منجر به توهین به نماینده کشور گینه شد، منجر به صدور رأی دیوان بین المللی دادگستری بر علیه کنگو شده است. همان گونه که قبلاً بیان شد، مجامع بین المللی از جمله دیوان بین المللی دادگستری وظیفه دارند علاوه بر حفظ حقوق افراد، در حفظ شان کشور های عضو نیز کوشا باشند و در این زمینه می توانند اقدامات لازم را انجام دهند که یکی از این دسته اقدامات، صدور دستور موقت بر مبنای حمایت از از حقوق کنسولی نماینده های کشور ها می باشد.

### ج. منع تبعیض و حق بر مالکیت در آئینه دستور موقت های دیوان

مصادق دیگری که می تواند برای صدور دستور موقت در دیوان دادگستری از جمله مستندات برای صدور دستور موقت محسوب شود، منع تبعیض و حق بر مالکیت می باشد. پس از وقوع جنگ جهانی دوم، سازمان های بین المللی درصدد یافتن راه هایی بودند که خشونت و علل آن را در جهان به حداقل رسانده، صلح پایدار را گسترش دهند. تولد نهادی با نام دیوان دادگستری بین المللی نیز در همین راستا بوده و صدور دستورموقت دیوان نیز در مواردی از سوی قضات این دیوان به رسمیت شناخته شده که حقوق بشر در پرونده های ارجاعی از سوی شورای امنیت، مورد نقض قرار نگیرد.

یکی از حقوقی که در منشور ملل متحد برای هر فرد به رسمیت شناخته شده است، برابری تمام افراد بشر است و یکی از مهم ترین اهدافی که سازمان ملل متحد، برخورد با هر گونه تبعیض برای برقراری عدالت در جهان می باشد. از همین رو، یکی از مهم ترین مصادیقی که برای صدور دستور موقت می توان بدان استناد کرد، در جایی است که بنابر صلاحدید قضات دیوان، از سوی یکی از طرفین، دادخواستی مبتنی بر تبعیض و نقض آزادی و عدالت صورت گرفته باشد.

ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، یکی از مقاصد سازمان را پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب دانسته است، بند ۱، ماده ۱۱ منشور، مجمع عمومی را در خصوص کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب، مکلف به انجام مطالعات و صدور توصیه هایی کرده است. بند ب، ماده ۱۱ این سند نیز، سازمان ملل متحد را مشوق احترام جهانی و حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب، دانسته است.

در نهایت ماده ۱۲ مقرر داشته است که شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند به منظور تشویق احترام واقعی حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه تشویق و احترام حقوق بشر و توصیه هایی کند (بند ۲). همچنین منشور یکی از اهداف نظام قیمومت را آزادی های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی همبستگی دانسته است. در مواردی که در درخواست خواهان صدور دستور موقت، دلایل کافی برای تبعیض از سوی طرف مقابل دعوا و یا ممانعت از اعمال حق حاکمیت وجود داشته باشد و از ادله وی این امر احراز شود، دیوان می تواند دستور موقت در پرونده مطروحه صادر کند،

(human right library)

### د. سایر حق های بشری در ترازوی دستور موقت دیوان

از نظر نگارنده، برای نقض حقوق بشر، محدودیتی برای قضات دیوان برای صدور دستور موقت وجود ندارد و در هر موردی که قضات دیوان در پرونده های ارجاعی تشخیص دهند که اعمال یکی از طرفین بنابر دادخواستی که ارائه می دهند، قابل تطبیق بر یکی از مصادیق نقض دیوان می باشد، می توان دستور موقت صادر کرد و به دیگر سخن،

به نظر نگارنده همان گونه که قبلاً بیان شد، مهم ترین ملاک برای صدور دستور موقت، نقض حقوق بشر می باشد. در صورتی که قضات دیوان با توجه به دلایل استنادی طرفی که خواهان صدور دستور موقت می باشد، به این نتیجه برسند که در صورت عدم صدور دستور موقت، نقض گسترده حقوق بشر اتفاق افتاده و از این رو، خساراتی جبران ناپذیر به یکی از طرفین وارد شود، می توانند دستور موقت صادر کنند و در این میان، نیازی به تطبیق موارد نقض حقوق بشر بر یکی از مصادیق ذکر شده فوق را ندارند، بلکه در انتخاب مصداق دست باز دارند، (سیدزاده ثانی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

## ۶. تحلیل محتوای دستور موقت دیوان بین المللی دادگستری در قضیه بازگشت تحریم های یک جانبه ایالات متحده از منظر حقوق بشر

این بخش از مقاله، به بیان تطبیقی موارد بیان شده در خصوص پرونده ایران در شورای امنیت سازمان ملل می پردازد. این پرونده از این نظر دارای اهمیت است که اولاً یکی از مهم ترین و باسابقه ترین پرونده هایی است که در شورای ملل مطرح شده است و از سوی دیگر، ابعاد آن صرفاً در زمینه سیاسی محدود نمی شود و شامل ابعاد فرهنگی، اقتصادی، بین المللی و غیره نیز می شود و لذا بحث از آن اهمیت می یابد.

### الف. پیشینه دعوای ایران علیه ایالات متحده در قضیه بازگشت تحریم ها

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا، با اقدام ایران در تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان، به طور کامل قطع شد. به دنبال آن، اقدامات متقابلی از سوی دولت آمریکا علیه مردم ایران صورت گرفت. از جمله می توان به بلوکه کردن حساب های مالی ایران در بانک های جهانی، حمایت از عراق در جنگ تحمیلی، تحریم های سنگین اقتصادی و غیره را نام برد. اما نخستین دعوای مطروحه میان ایران و آمریکا در دادگاه لاهه، به پرونده گروگان گیری اتباع آمریکا توسط دانشجویان ایرانی اختصاص داشت. اختلاف میان دو دولت ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز ادامه داشت و با فراز و فرودهایی همراه بود، اما نقطه طلایی دوران دیپلماتیک ایران را قطعاً باید دوران تصویب برجام دانست، (خلیلیان، ۱۳۸۱، ص ۳) در نوامبر ۲۰۱۳م. ایران به همراه ۶ کشور توافقاتی را در لوزان آغاز کردند که پس از گذشت ۲۰ ماه در آوریل ۲۰۱۵م. منجر به صدور تفاهم نامه ای میان ایران و شش کشور در خصوص موضوعات هسته ای ایران شد. بر اساس این توافق نامه، ایران متعهد شد برخی از برنامه های هسته ای خود را کاهش داده و برای پانزده سال اقدامات خود را به تعویق اندازد. در مقابل، دولت های شش گانه نیز موظف شدند تمامی تحریم هایی که علیه ایران وضع کرده بودند را لغو کرده و به ایران اجازه تعاملات تجاری، سیاسی و غیره با سایر کشورهای دنیا را بدهند.

اما پس از گذشت مدتی با روی کار آمدن رئیس جمهور جدید آمریکا، در سال ۲۰۱۸م. آمریکا رسماً توافق مذکور را نقض کرده و اعلام کرد که بالاترین تحریم ها را علیه ایران اعمال خواهد کرد. به دنبال این اقدام رئیس جمهور آمریکا، ایران اقدام به شکایت در دادگاه بین المللی لاهه علیه دولت ایالات متحده آمریکا کرد. موضوع این شکایت، نقض معاهده دوستی، تجارت و حقوق کنسولی (موسوم به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا) امضا شده از سوی نمایندگان دو طرف در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵م. مصادف با ۲۳ مرداد ۱۳۳۴ش. در تهران است، (یورونیوز، ۱۲/۱۰/۲۰۱۸م.).

مطابق ادعای دولت جمهوری اسلامی ایران، اقدام آمریکا در نقض توافق برجام منجر به مجموعه گسترده ای از تحریم هایی شده است که علیه مردم و شرکت های جمهوری اسلامی ایران اعمال شده اند. این در حالی است که در توافق مشترک میان دولت ایران و ۶ کشور دیگر از جمله آمریکا، این کشورها متعهد به لغو تمامی تحریم های ناشی از

برنامه‌های هسته ای ایران را کرده بودند. علاوه بر نقض توافق برجام توسط آمریکا و اعمال تحریم‌هایی که متعهد به لغو آنها بوده است، دولت آمریکا توافق دیگری موسوم به عهد نامه مودت را نیز نقض کرده است.

این عهد نامه مصوب سال ۱۹۵۵م. و پس از کودتای ۲۸ مرداد جهت ترمیم مناسبات اقتصادی ایران و آمریکا می باشد. هر یک از دو دولت در این عهدنامه متعهد شدند هنگام سفر اتباع طرف مقابل در کشورش، تسهیلاتی را برای آنان فراهم آورند که از جمله شامل «حق جمع‌آوری و ارسال اطلاعات جهت انتشار در خارجه برای آگاهی عامه مردم و به طریق دیگر ارتباط یافتن با اشخاص که داخل یا خارج آن قلمرو».

همچنین براساس این عهدنامه، اتباع هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر از حد اعلاای حمایت و امنیت پایدار برخوردار خواهند بود. هر موقع چنین فردی در بازداشت باشد از هر جهت به نحو عادلانه و با انسانیت با وی رفتار خواهد شد و طبق تقاضای او بی آن که تأخیر غیر لازمی روی دهد به‌نماینده سیاسی یا کنسولی کشور او اطلاع و فرصت کامل داده خواهد شد. معاهده مودت حق طرفین در دستیابی به تسلیحات لازم برای دفاع از خود را محترم شناختند، (تابناک (خبرگزاری)، ۶ شهریور ۱۳۹۷ش.).

در حقوق بین الملل حفظ امنیت شهروندان هر کشور از حقوق حاکمیتی دولت آن کشور محسوب می شود. به موجب این عهدنامه، آمریکا متعهد شده بود با اتباع ایرانی رفتار منصفانه داشته باشد و مانع از مرادات پولی و بانکی نشود. پیمان مودت مکرراً در دیوان داوری ایران و آمریکا مورد استناد قرار گرفته و حتی در دادگاه های آمریکا نیز به آن استناد شده است. البته در این عهدنامه، دیوان لاهه به عنوان داور در اختلافات احتمالی بین دو طرف پیش‌بینی شده هرچند مراجعه به این نهاد مشروط به آن است که پیشتر دو طرف برای حل و فصل اختلافات خود از راه مذاکره اقدام لازم و کافی کرده باشند. این شرط در عهد نامه مودت گنجانده شده است. براساس بند ۲ ماده ۲۱، آمده است: هر اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت بخش فیصله نیابد، به دیوان دادگستری بین المللی ارجاع خواهد شد، مگر اینکه طرفین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح جویانه دیگری حل شود. بر این اساس، در اختلافات میان ایران و آمریکا، دیوان صلاحیت رسیدگی دارد و می تواند در حدود موضوعات و دعاوی مطروحه، اقدامات لازم را انجام دهد، (میرعبّاسی و فامیل زوآر جلالی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۵۱۵).

#### ب. ضرورت صدور دستور موقت دیوان به منظور تضمین و ارتقاء حقوق بشر

ضرورت صدور دستور موقت در مواردی است که، دیوان موارد نقض حقوق بشر را تشخیص دهد و موارد آن هم حصری نیست و در هر موردی که دیوان به صلاحدید خود تشخیص دهد که از سوی یکی از طرفین پرونده نقض حقوق بشر رخ داده است، می تواند اقدام به صدور دستور موقت کند. در پرونده ایران نیز علی‌رغم تمامی کارشکنی‌های طرف آمریکایی، برای دیوان احراز شد که اعمال تحریم‌هایی که از سوی آمریکا علیه ملت ایران اعمال می شود، منجر به نقض عمده حقوق بشر می شود و از همین رو، دیوان در تصمیم گیری خود، اقدام به صدور دستور موقت در این زمینه کرد، (رک: ایرنا، ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ش، ص ۱؛ جنیدی، ۱۳۹۹ش، ص ۱).

در خصوص ضرورت صدور دستور موقت، یکی از مهم ترین مسائل در این مورد، موضوع صلاحیت می باشد که بر اساس بند دوم ماده ۲۱ عهدنامه مودت، ایران و آمریکا، صلاحیت دیوان را در مورد دعاوی پیش رو پذیرفته اند. لذا صلاحیت دیوان امری مورد قبول تلقی شده است. اما مهم ترین مسأله در صدور دستور موقت، نقض مسائل حقوق بشر توسط یکی از طرفین می باشد. در پرونده مطروحه، دولت ایران مدّعی است که تحریم‌های آمریکا موجب شده که حقوق بشر در کشور ایران به صورت گسترده نقض شود و در صورتی که این اقدامات ادامه داشته باشد، خساراتی

جبران ناپذیر بر مردم ایران وارد می شود. باید توجه داشت موضوع فوریت در این زمینه هم وجود داشته است، زیرا فوریت امری ورای زمان است و برای اثبات فوریت، باید طرفین اثبات کنند که اختلافات آنان از طرق دیگر مانند روش های دیپلماتیک قابل حل و فصل نمی باشد. این در حالی است که پرونده هسته ای ایران برای مدتی طولانی میان ایران و شش کشور مطرح بوده است و در این زمینه، بحث و تبادل نظر داشته اند و از همین رو، برطرف کردن اختلافات پیش رو، از طریق دیپلماتیک عملاً غیرممکن است.

اما موضوعاتی که ایران با استناد به آن درخواست صدور دستور موقت کرده است، باید مثبت دو ادعا باشد: اولاً باید نقض حقوق بشر توسط دولت آمریکا اثبات شود و ثانیاً ورود خساراتی که عملاً غیرقابل جبران هستند، که اثبات هر دوی آنها برای صدور دستور موقت دیوان لازم و ضروری هستند، (ساعد وکیل، بی تا، ص ۲).

در خصوص ادعای اول، دولت ایران ادعا دارد که تحریم های دولت آمریکا منجر به عدم دسترسی مردم ایران به منابع اقتصادی، دارویی، حمل و نقل و غیره شده است. به عنوان مثال محدودیت های تأمین مالی، همراه با سقوط شدید ارزش واحد پول ایران، منجر به محدودیت جدی برای شرکت ها و بیمارستان های ایران در خرید تجهیزات پزشکی و داروهای حیاتی از خارج از ایران شده است که ساکنان برای مراقبت پزشکی حیاتی به آنها وابسته هستند، (cesr, ۱۹۹۷, p8).

علاوه بر این، تحریم های تمديد شده آمریکا مستقیماً قدرت خرید خانواده ها را تحت تأثیر قرار داده است و در نرخ تورم حدود سی درصد در سال گذشته، نقش ایفا کرده است. پوشش بیمه سلامتی تقریباً همگانی ایران، در حال حاضر بخشی قابل توجه از هزینه های مراقبت بهداشتی را جذب می کند، اما ناتوانی این سیستم، که حالا تحت فشار جدی مالی است، احتمالاً آثاری مخرب بر میلیون ها بیمار خواهد گذاشت که تمامی این رفتارها می تواند مصادیقی از نقض حقوق بشر توسط دولت ایالات متحده باشد.

همچنین اقدامات آمریکا تأثیر مستقیم بر روی صنعت پزشکی ایران گذاشته است و سازمان های بین المللی از جمله دیده بان حقوق بشر در تازه ترین گزارشی که منتشر کرده اند، به این نتیجه رسیده اند که وضعیت اقتصادی کنونی، با وجود معافیت های بشردوستانه، مسبب آسیب هایی نالازم برای شهروندان ایرانی مبتلا به مجموعه ای از بیماری ها و شرایط پزشکی است. بعضی از کسانی که بیش از دیگران تحت تأثیر قرار گرفته اند، ایرانیانی هستند که بیماری های نادر و یا شرایطی دارند که نیازمند درمان و مراقبت ویژه هستند و از دسترسی به داروها و لوازمی ناتوان هستند که پیش از این در دسترس بوده اند. این شامل کودکان دارای سرطان خون، بیماری پروانه ای (بیماری ای که منجر به پوست حساس و تاول زده می شود)، یا صرع، یا افرادی می شود که در اثر قرار گرفتن در معرض سلاح های شیمیایی در جنگ ایران- عراق دچار جراحت های چشمی مزمن هستند. پیامدهای این وضعیت برای این افراد می تواند فاجعه بار باشد: افراد مبتلا به آشکال شدید بیماری پروانه ای حالا ناتوان از دسترسی به بانداژهای ویژه هستند و در معرض ریسک شدت افزایش یافته عفونت های باکتریایی، سپسیس، انگشت چسبی، و انقباض مفاصل شوند. کودکان دارای صرع، مقاوم در برابر درمان های معمول و ناتوان از دسترسی به داروهای ساخت خارج ممکن است متحمل تشنج های متعدد و غیرقابل کنترلی شوند که آنها را با خطر مجروحیت روبه رو می کند و در طول زمان منجر به آسیب مغزی شدید و دائمی می شود. کمبود داروهای حیاتی می تواند دامنه ای بسیار گسترده تر از بیماران را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، روزنامه نگاران ایرانی از مشکلات حاد بعد از یک جراحی سزارین خبر داده اند که تصور می شود مرتبط با استفاده از داروی بیهوشی «غیراستاندارد» باشد. تمامی این اقدامات می تواند مستندی برای صدور دستور موقت دیوان قرار بگیرد؛ چون هم اقداماتی است که منجر به نقض گسترده حقوق بشر برای مردم ایران شده

است و از سوی دیگر، خساراتی که وارد می‌کند غیرقابل جبران است، (اسدی نژاد طاهرگورابی، ۱۳۹۴ش، ص ۵۹ به بعد؛ لسانی و کاظمی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳ به بعد).

از همین رو، ایران در دادخواست خود، در خواست خود مبتنی بر صدور دستور موقت را به صورت جداگانه تقدیم دیوان بین‌المللی دادگستری کرد تا دیوان فارغ از رسیدگی در خصوص دعوای ماهوی، در این زمینه به فوریت اتخاذ تصمیم کند و از نقض گسترده حقوق بشر و ورود خسارات غیرقابل جبران بیشتری جلوگیری کند.

#### ۷. ماهیت تعهدات و تکالیف حقوق بشری ناظر بر ایالات متحده در پرونده بازگشت تحریم‌ها

مهم‌ترین مستندات جمهوری اسلامی ایران برای درخواست دستور موقت دیوان، عهد نامه مودت و نقض گسترده حقوق بشر ناشی از اعمال تحریم‌های آمریکا بود که نتایج آن غیر قابل جبران بود.

با در نظر گرفتن مجموع ادله و قرائن گفته شده، دولت ایران اقداماتی را از دیوان در جهت صدور دستور موقت تقاضا کرده است. اقدامات جمهوری اسلامی ایران، در دو محور جمع بندی می‌شود. محور اول در راستای تحقق عهد نامه مودت که میان دو کشور تهیه و تنظیم شده است و دو طرف موظف به انجام آن شده اند. محور دوم، در راستای جلوگیری از نقض گسترده حقوق بشر در ایران و ورود خسارت‌های جبران ناپذیر به مردم و همچنین جبران خسارت‌هایی که از این رو بر مردم ایران وارد شده است. همچنین دولت آمریکا موظف می‌شود تحریم جدیدی علیه مردم و دولت ایران وضع نکند.

#### ۸. مسؤولیت بین‌المللی ناشی از نقض دستور موقت دیوان توسط کشورها در قضیه بازگشت

##### تحریم‌ها

بر اساس آنچه که گفته شد، جمهوری اسلامی ایران، دادخواست صدور دستور موقت را به دیوان دادگستری بین‌المللی تقدیم کرد و از دیوان تقاضای صدور دستور موقت را نمود. مهم‌ترین مستند جمهوری اسلامی ایران برای درخواست صدور دستور موقت، عهد نامه موسوم به مودت بود که برخی از مواد آن توسط دولت ایالات متحده مورد نقض قرار گرفته شده بود. همچنین مواردی که در آن به نقض گسترده حقوق بشر برای اتباع جمهوری اسلامی ایران و همچنین سایر اتباع ساکن در این سرزمین منجر می‌شود، اشاره شد؛ از جمله آنان می‌توان به کاهش شدید ارزش پول ملی، کمبود دارو و تجهیزات پزشکی در کشور و غیره اشاره کرد که تبعات آن به طور گسترده گریبان گیر توده مردم می‌شود. از همین رو، در دادخواست جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر دستور موقت، با توجه به استناداتی بوده است که سابقاً بیان شد و دیوان بین‌المللی دادگستری، در صدور دستور موقت آنها را لحاظ کرد. بر اساس دادخواست جمهوری اسلامی ایران، مسؤولیت حقیقی و حقوقی ایالات متحده در دادخواست دستور موقت مبنی بر چند امر می‌باشد:

- ۱- آمریکا باید با انتخاب خودش تحریم‌های ۸ مه را بدون تأخیر لغو کند؛
- ۲- آمریکا باید فوراً به تهدیدات خود در خصوص اعلام تحریم‌های بیشتر که در این شکایت به آن اشاره شد، خاتمه دهد؛
- ۳- آمریکا باید اطمینان دهد که نباید هیچ اقدامی برای به هم زدن تصمیم دیوان در مورد شکایت فعلی انجام دهد و عدم تکرار در تخلف از عهدنامه مودت را تضمین کند؛
- ۴- آمریکا باید به دلیل تخلف از تعهدات قانونی و بین‌المللی خود، خسارات ایران را به اندازه ای که دیوان در مرحله بعدی اقدامات تعیین می‌کند، جبران نماید. ایران این حق را به خود می‌دهد تا در موقع خود در مورد جبران خسارت ارزیابی دقیقی از بدهکاری آمریکا به دیوان تسلیم و ارائه کند، (cesr, 1997, p8).



## نتیجه گیری

صدور دستور موقت در راستای تضمین و ارتقاء حقوق بشر است که دیوان دادگستری بین المللی بر اساس درخواست یکی از طرفین و بر اساس ادله ابرازی می تواند در برخی از موارد اقدام به صدور آن نماید. دیوان در پرونده های متعددی بر اساس نقض حقوق بشر، اقدام به صدور دستور موقت کرده است. یکی از پرونده هایی که دیوان در آنها اقدام به صدور دستور موقت کرده است، پرونده شکایت دولت جمهوری اسلامی ایران از دولت ایالات متحده آمریکا است که در آن دیوان بر اساس نقض گسترده حقوق بشر توسط دولت ایالات متحده، حکم به صدور دستور موقت کرده است. موارد استنادی در دادخواست صدور دستور موقت دولت جمهوری اسلامی ایران، عبارت از نقض مکرر بسیاری از مواد عهدنامه مودت می باشد که منجر به فشار اقتصادی گسترده بر مردم ایران، کمبود دارو و غیره بر مردم ایران شده است که تماماً مصادیقی از نقض حقوق بشر محسوب می شود. دیوان در حکم خود مبنی بر دستور موقت به این موارد استناد کرده است و اقدامات دولت ایالات متحده را نقض حقوق بشر معرفی کرده است. دستور موقت می تواند به عنوان یک ابزار مؤثر برای پیشگیری از هر نوع تهدید علیه نقض حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد و اساساً می توان هدف پیشگیری از تهدیدات راجع به حقوق بشر بین الملل را یکی از اهداف این اقدامات محسوب کرد.

بر اساس ادعایی که در این نوشتار مطرح شد، مبنای صدور دستور موقت، دو امر می باشد که باید توسط خواهان اثبات شود، یک نقض گسترده حقوق بشر توسط طرف دعوا و دو غیرقابل جبران بودن خسارات احتمالی. در پرونده ایران با توجه به گزارشی که دیده بان حقوق بشر از وضعیتی که پس از ایجاد شرایط تحریمی به وجود آمده است، بخوبی این وضعیت مشهود است. اقتصادی که دهه ها مبتنی بر نفت است و با تحریم مجدد، بشدت آسیب دیده است، تورم افسار گسیخته ای که اقشار کم در آمد را بشدت تحت فشار قرار می دهد و از سوی دیگر، تحریم هایی که علاوه بر آن، از سوی دولت ایالات متحده بر ملت ایران تحمیل شده است، از جمله دارو و مواد پزشکی از دیگر مواردی است که می تواند به نقض گسترده حقوق بشر منجر شود. نتایج آن می تواند برای ملت ایران فاجعه بار باشد. اقشار ضعیف که طیف های گسترده ای از مردم را شامل می شوند، تمامی این اقدامات نقض صریح حقوق بشر محسوب می شود.

از سوی دیگر، ضرر هایی که از سوی تحریم ها به بدنه کشور وارد می شود، قطعاً غیرقابل جبران است. هنگامی که دیوان در خصوص اعدام هشتاد تبعه مکزیکی دستور موقت صادر می کند، چگونه است که در خصوص کشته شدن هزاران ایرانی بی گناه به خاطر به علت فقدان دارو، تجهیزات پزشکی و غیره دستور موقت صادر نکند؟

از همین رو، در خصوص پرونده ایران، استناد به همین دو مورد برای صدور دستور موقت کفایت می کند. البته باید اشاره کرد که در خصوص مسأله خاص صلاحیت، استناد به عهد نامه مودت برای اثبات صلاحیت اصل دیوان امری بسیار دقیق می باشد، اما برای صدور دستور موقت، نیازی به استناد به عهد نامه مودت نمی باشد. آنچه که مورد ادعای نگارنده می باشد، توجه به این نکته است که برای صدور دستور موقت، نیازی به استناد به عهد نامه مودت نمی باشد. موضوع عهد نامه مودت امری جداگانه و مستقل از مفهوم دستور موقت است. برای صدور دستور موقت صرف خساراتی که برای مردم ایران از ناحیه تحریم های یکجانبه آمریکا به وجود می آید، کفایت می کند و نیازی به عهد نامه مودت نمی باشد.



## منابع و مآخذ

۱. اسدی نژاد طاهرگورابی، سیدمحمد و میرحامد اسدی نژاد طاهرگورابی؛ مقاله: «دستور موقت در داور ی های ملی و بین المللی»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۹۴ش، ص ۸۵-۵۹.
۲. ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، مقاله: «رأی دیوان لاهه، پیروزی ایران در کارزار حقوقی علیه فشار حداکثری آمریکا»، ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ش، کد خبر: ۸۴۲۲۹۰۳۱، آدرس: <https://www.irna.ir/news/84229031>
۳. تابناک (خبرگزاری)، مقاله: «متن کامل عهدنامه مودت ایران و آمریکا»، تاریخ انتشار: ۶ شهریور ۱۳۹۷ش، کد خبر: ۸۲۸۹۴۵، به آدرس: <https://www.tabnak.ir/fa/news/828945>
۴. جوان جعفری، عبدالرضا؛ سیدزاده ثانی، مهدی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، تهران، میزان، ۱۳۹۱ش، چ اول.
۵. جنیدی، لعیاء، مقاله: «امیدوار به احراز صلاحیت دیوان در شکایت از آمریکا هستیم»، ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، ۵ بهمن ۱۳۹۹ش، کد خبر: ۸۴۲۱۰۲۵۹، آدرس: <https://www.irna.ir/news/84210259>
۶. خلیلیان، سیدخلیل، دعاوی حقوقی ایران و آمریکا مطرح در دیوان دآوری لاهه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱ش، چ اول.
۷. ساعد وکیل، امیر، مقاله: «گزارش جلسه استماع درخواست دستور موقت در دیوان بین المللی دادگستری: ایران علیه آمریکا»، سایت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، بی تا، به آدرس: <https://unstudies.ir>
۸. سیدزاده ثانی، سیدمهدی، عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی، و بتول دانشجو؛ مقاله: «امکان سنجی جواز نسبی شکنجه در موارد اضطرار به موجب حقوق بین الملل»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش، شماره ۲، پیاپی ۱۰.
۹. قاری سید فاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰ش، چ دوم.
۱۰. لسانی، سیدحسام الدین و احمد کاظمی؛ مقاله: «توقیف اموال ایران در آمریکا از دیدگاه حقوق بین الملل و رسالت رسانه های برون مرزی»، دوفصلنامه پژوهشنامه رسانه بین الملل، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۳، سال ۱۳۹۷ش، ص ۴۷-۱۳.
۱۱. مهرپور حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۳ش، چ دوم.
۱۲. میرعبّاسی، سیدباقر؛ سادات میدانی، سیدحسین، دادرسی های بین المللی، دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل، تهران، جنگل، ۱۳۸۴ش، چ اول.
۱۳. میرعبّاسی، باقر و باقرزاده، رضوان، مقاله: «نقش انصاف در حل و فصل اختلافات بین المللی»، مجله حقوق، دوره چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹ش.

۱۴. میرعباسی، سیدباقر، و فامیل زوآر جلالی، امیر؛ مقاله: «صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در صدور قرار موقت با نگاه موردی بر قضیه اوکراین علیه فدراسیون روسیه سال ۲۰۱۷م.». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۵۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹ش، ص ۱۵۰۵-۱۵۲۴.
۱۵. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان، ۱۳۹۷ش، چ چهارم.
۱۶. هیگینز، روزالین، مقاله: «دیوان بین‌المللی دادگستری: موضوعات منتخب در بارهٔ مسؤولیت دولت»، ترجمه علی قاسمی، مجله حقوقی بین‌الملل، دوره ۲۳، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۱-۱۲۹.
۱۷. یورونیوز، مقاله: «موضوع شکایت ایران از آمریکا به دیوان بین‌المللی دادگستری چیست؟»، تاریخ: ۱۲/۱۰/۲۰۱۸م. به آدرس اینترنتی:

<https://per.euronews.com/2018/07/18/iran-international-court-of-justice-instituted-proceedings-against-the-united-states-nucl>

۱۸. <https://www.mfa.ir>
۱۹. پرتال موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، <https://psri.ir>
۲۰. پرتال پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، <https://risstudies.org>
۲۱. پرتال دیده بان حقوق بشر، [www.hrw.org](http://www.hrw.org)
۲۲. <http://www.asean.org/news/asean>

۲۳. Andreas, Zimmermann, The Statute of the International Court of Justice, A Commentary, Oxford, 2006.
۲۴. ASEAN Human Rights Declaration, 19 November 2012, at: [statement communiques/item/asean human rights declaration](http://www.asean.org/communique/item/asean-human-rights-declaration).
۲۵. Bekker, Pieter H.F, Commentaries on World Court Decisions (1987/1996), Martinus nijhoff, ۱۹۹۸.
۲۶. Bekker, Pieter H.F.; Consular Notification and the Death Penalty, The World Courts Provisional Measures Order in Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States), ASIL Insights, April 2003.
۲۷. Borger, Julian (August 28, 2017). "White House 'pressuring' intelligence officials to find Iran in violation of nuclear deal". The Guardian. Retrieved April ۱۶, ۲۰۱۸.
۲۸. CESCR, General Comment No 8: The relationship between economic sanctions and respect for economic and social rights, 4 December 1997.
۲۹. Christian J. Tams, Consular Assistance and Rights and Remedies, Comments on the ICI's Judgment in the LaGrand Case, European Journal of International Law (1999).
۳۰. Harris D.J, Case and Materials on International Law, Sixth Edition, London Sweet and Maxwell, 2004.
۳۱. Hudson, Manley O., The Permanent Court of International Justice 1920 MacMillan Publications, 1943.
۳۲. Fitzmaurice, Sir Gerald, The Law and Procedure of the International Court of Justice (two volumes), Grotius, 1986.
۳۳. ICJ publications, The International Court of Justice, The Hague, 2004 (5th edition).
۳۴. ICJ, Ahmadou Sadio Diallo Case, (Republic of Guinea v. Democratic Republic of the Congo), Judgment of 30 November 2010.
۳۵. Martinus Nijhoff Publications, Compliance with Judgments of International Courts, 1995.

- ۳۶. North Holland Publishing Company, Encyclopedia of Public International Law, Settlement of Disputes, 1981.
- ۳۷. Shelton, Dinah, Regional protection of Human Rights, Oxford University Press, ۲۰۰۸.
- ۳۸. Zimmern, Alfred, The League of Nations and the Rule of Law, Mac Millan, 2000.